

سیمای خانوادگی و زندگینامه

جرح کندي يانگ

طراحی و فرمانده کودتای 28 مرداد 1332

قسمت اول

مقاله حاضر گزیده‌ای است از پژوهش مفصلي در بیش از یکصد صفحه که درباره زندگی **جرح کندي يانگ** انجام داده ام. تاکنون مورخین ایرانی با نام جرح کندي يانگ، به عنوان طراح و فرمانده اصلي کودتای 28 مرداد 1332، آشنا نبوده‌اند و این نخستین بار است که مطلبي درباره این شخصیت مرموز و متنقد تاریخ معاصر بریتانیا و پیوندهای او با ایران مطرح می‌شود. در آینده متن کامل این پژوهش را به همراه مآخذ به صورت فایل پی. دی. اف. در سایت خود قرار خواهم داد. مقاله جرح کندي يانگ به همراه مقاله **شاپور ريبورتر و کودتای 28 مرداد 1332** تصويري جامع از کودتا و طراحان و عوامل آن به دست می‌دهد. ارزیابی و نقد خود بر **تاریخچه عملیات کودتا**، نوشته دونالد ویلبر، را در ضمن مقاله «شاپور ريبورتر» به‌طور مشروح عرضه کرده‌ام. در مقاله **معمای دکتر مظفر بقایی کرمانی** نیز به نقش دکتر بقایی و حزب زحمتکشان ملت ایران در کودتا پرداخته؛ و در مقاله «شاپور ريبورتر» بحثی را با عنوان «قتل افشارطوس و جایگاه مفقود آن» ارائه داده ام که، برخلاف مندرجات بولتن دکتر ویلبر، قتل افشارطوس را به عنوان شروع عملیات کودتا می‌شناساند.

آغاز سخن

تاکنون نقش **جرح کندي يانگ** (1911-1990) در کودتای 28 مرداد 1332 و پیوندهای او با حکومت محمدرضا پهلوی در سال‌های پس از کودتا مورد توجه مورخین ایرانی قرار نگرفته است.

جرح کندي يانگ از چهره‌های سرشناس سیاسی و اطلاعاتی تاریخ معاصر بریتانیاست که به دلیل جایگاه برجسته اش در حوادث معروف به «**توطئه علیه دولت ویلسون**» و نقش او در ایجاد **شبکه‌های سری پیمان ناتو در دوران جنگ سرد**، به‌ویژه **شبکه گلادیو در ایتالیا**، مورد توجه جدی پژوهشگران بریتانیا و سایر کشورهای غربی است. **مورخین اطلاعاتی از یانگ به‌عنوان طراح عملیات کودتای 28 مرداد 1332 نام می‌برند** زیرا او در سال 1332 قائم‌مقام اینتلینجس سرویس بریتانیا (ام. آی. 6) بود و در این سمت **طراحی و فرماندهی "عملیات چکمه" را به‌دست داشت**

یانگ در سال‌های پسین با محمدرضا پهلوی و سیر شاپور ريبورتر رابطه نزدیک داشت و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران هم در خریدهای نظامی ایران از انگلیس و هم در فعالیت‌های به‌غایت مخفی شبکه‌های اطلاعاتی بریتانیا و پیمان ناتو در ایران مؤثر بود.

جرح کندي يانگ کیست؟

بررسی خود را از زندگینامه رسمی جرح کندي يانگ، مندرج در **هو/یز هو**، آغاز می‌کنیم. یانگ در این زندگینامه مختصر، خود را چنین معرفی کرده است:

جرح کندي يانگ، متولد 8 آوریل 1911، پسر مرحوم جرح استوارت یانگ و مارگارت کندي. تحصیلات دانشگاهی خود را در سال 1936 در دانشگاه ییل با مدرک کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی به پایان برد و در سال‌های 1936-1938 عضو هیئت تحریریه **گلاسکو هرالد** و در سال 1939 در خبرنگاری انگلیسی یونایتدپرس شاغل بود. در دوران جنگ جهانی دوم، در سال‌های 1939-1945 در شرق آفریقا، ایتالیا و اروپای غربی خدمت کرد. در سال 1946 به‌عنوان خبرنگار خبرگزاری انگلیسی یونایتدپرس در برلین مستقر شد و در همین سال به عضویت وزارت خارجه بریتانیا درآمد. از سال 1949 در دپارتمان روابط اقتصادی وزارت خارجه و از سال 1951 در دفتر خاورمیانه شاغل بود. در سال‌های 1953-1961 در وزارت دفاع خدمت کرد و در سال 1960 معاون وزیر شد. **در سال‌های 1961-1976 در کمپانی کلینورت بنسئون شاغل بود**

چنان‌که می‌بینیم، در این زندگینامه کمترین اشاره‌ای به مناصب و فعالیت‌های اطلاعاتی جرح کندي يانگ مندرج نیست.



جرج کندی یانگ

در سال 1993، یعنی دو سال پس از مرگ جرج کندی یانگ، انتشارات فی‌بر در لندن کتابی منتشر کرد با عنوان کتاب *جاسوسی فی‌بر*. ویراستار این اثر یکی از سرشناس‌ترین مورخین اطلاعاتی بریتانیاست که از نام مستعار "نیجل وست" استفاده می‌کند. نام واقعی او **روبرت السون** و از اعضای فعال حزب محافظه‌کار است. السون ده سال نماینده مجلس عوام بود و هم‌اکنون سردبیری بخش اروپایی *فصلنامه اطلاعاتی* را به‌عهده دارد. "نیجل وست" مؤلف کتب فراوانی درباره تاریخ سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی بریتانیاست. بررسی آثار "نیجل وست" بیانگر پیوندهای او با سرویس‌های مخفی بریتانیاست و شیوه تحلیل و سبک نگارش وی به‌گونه‌ای است که باید او را مورخ نیمه رسمی این سرویس‌ها به‌شمار آورد. "نیجل وست" نخستین مورخی است که به‌طور مشروح درباره نقش جرج کندی یانگ در کودتای 28 مرداد 1332 سخن گفت



خاندان یانگ و شبکه زرسالاری جهانی

پیوندهای خاندان یانگ با شبکه جهانشمول و به هم بافته زرسالاری جهانی برای ترسیم سیمای واقعی جرج کندی یانگ و شناخت علل و اهداف اقدامات مهم و جنجالی او- اعم از کودتای 28 مرداد 1332، تأسیس شبکه‌های سری ناتو در بخش مهمی از جهان، ایجاد و تقویت گروه‌های فاشیستی و تروریستی در بریتانیا و ایتالیا و آلمان و سایر کشورها، و ماجرای موسوم به توطئه علیه دولت ویلسون- از اهمیت اساسی برخوردار است.

اگر این پیوندهای دیرین و عمیق شناخته نشود، جرج کندی یانگ تنها به‌عنوان یک افسر اطلاعاتی ماجراجو و در برخی موارد خودسر جلوه‌گر خواهد شد که گویا تنها به‌دلیل مختصات شخصیتی و ساختار فکری خود به افراطی‌گری تمایل داشت. این گرایش است که در کتب و مقالات منتشر شده درباره یانگ مشاهده می‌شود. در این منابع، از جرج کندی یانگ به‌عنوان "فاشیست" و "نژادپرست" سخن می‌رود ولی به پیوندهای او فراتر از سرویس اطلاعاتی بریتانیا و گروه‌های افراطی راست‌گرا اشاره‌ای مندرج نیست. در واقع، پیوندهای استوار و ریشه‌دار با شبکه زرسالاری جهانی چهره پنهان‌تر جرج کندی یانگ است که باید اهمیت آن را فراتر از پیوندهای او با سرویس اطلاعاتی و گروه‌های افراطی بریتانیا ارزیابی کرد.

در بررسی زیر این چهره ناشناخته جرج کندی یانگ مورد توجه قرار گرفته است. یانگ عضوی از یک شبکه به هم پیوسته و کهن جهان‌وطن بود و اقدامات او در چارچوب منافع و برنامه‌های پیچیده این شبکه انجام گرفت. او به خاندانی تعلق دارد که در سده هیجدهم فراماسونری را در اسکاتلند و آمریکای شمالی بنیاد نهادند و در سده‌های نوزدهم و بیستم از پیوندهای استوار با بنیادهای نامدار یهودی- صهیونیستی چون **روچیلد** و **واربورگ** و **هامبرو** و **لازارد** و غیره برخوردار بودند. بنابراین، زمانی‌که نگارنده از نقش بزرگ و ناشناخته شبکه صهیونیستی در حوادث سال‌های 1320- 1332 ایران سخن می‌گوید، که در پیوند تنگاتنگ با سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا و ایالات متحده عمل می‌کرد ولی به دنبال اهداف و منافع خاص خود بود، از جمله و به‌ویژه به‌دلیل جایگاه و نقش جرج کندی یانگ است. در این بررسی با نام برخی از کمیانی‌ها و مؤسسات مقتدری که در دوران پهلوی با ایران و سرنوشت تاریخی ما پیوند مستقیم داشتند آشنا خواهیم شد

جرج کندی یانگ در اصل به کلان (طایفه یا عشیره) اسکاتلندی **یانگ** تعلق دارد. پیشینه اقامت این خاندان در اسکاتلند به اوائل سده شانزدهم میلادی می‌رسد. در کهن‌ترین سندی که مؤید حضور آنان در این سرزمین است از فردی به‌نام پیتر یانگ به‌عنوان «رئیس خانواده یانگ» یاد شده که در حوالی سال 1507 م. در اسکاتلند اقامت داشت.

در طول سده‌های اخیر، اعضای این خانواده در تکابوهای استعماری و تجارت برده و تریاک فعال و از پیوندهای گسترده و عمیق با زرسالاران یهودی برخوردار بودند. امروزه دودمان یانگ بسیار بر جمعیت و گسترده است و اعضای ثروتمند و متنغد آن در رده‌های بالای الیگارشی انگلوساکسون حضور دارند. بررسی زندگی‌نامه و مشاغل اعضای سرشناس کنونی این خاندان بیانگر تداوم سنن دیرین گذشته و پیوندهای گسترده آنان با زرسالاران یهودی است.

لرد یانگ گرافام مقتدرترین چهره خاندان یانگ در اواخر سده بیستم میلادی است:



لرد یانگ گرافام (دیوید یانگ)

دیوید یانگ، که در سال 1984 به مقام بارونی دست یافت و "لرد یانگ گرافام" لقب گرفت، در سال‌های 1979-1982 از گردانندگان **مرکز مطالعات سیاست‌گذاری** بود که یکی از مهم‌ترین نهادهای سیاست‌گذاری بریتانیا به‌شمار می‌رود. دیوید یانگ در سال‌های 1981-1984 ریاست **شورای بین‌المللی خدمات اجتماعی و رفاهی یهودیان** را به‌دست داشت و از سال 1990 رئیس **سازمان حمایت از یهودیان** بود که از ثروتمندترین مؤسسات خیریه بریتانیاست که سالانه حدود 40 میلیون پوند هزینه می‌کند. وی در سال 1992 ریاست سازمان فوق را به **لرد مایکل لوی، دوست صمیمی تونلی بلر** (نخست‌وزیر کنونی بریتانیا)، واگذار کرد



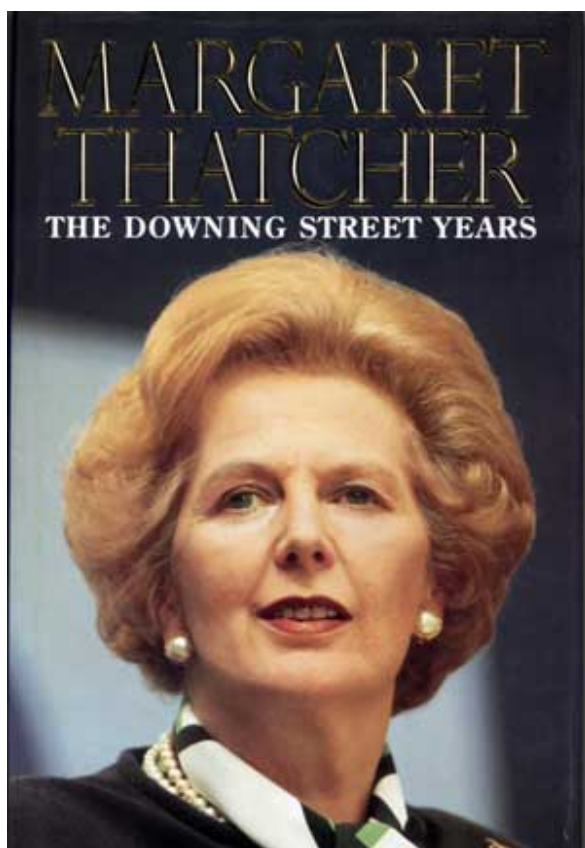
لرد مايکل لوي

لرد يانگ عضو هيئت مديره مؤسسه مطالعات عبري دانشگاه آکسفورد نیز هست و به عنوان يکي از دوستان نزديک لرد ويکتور روچيلد (متوفي 1990) و پسرش لرد ياکوب روچيلد و خانم تاچر شناخته مي شود.



لرد ويکتور روچيلد در اواخر عمر

ديويد يانگ از مشاوران اصلي مارگارت تاچر بود و در دولت او (1979-1990) مشاغل مهمي چون مشاورت صنعتي و سپس مشاورت ويژه نخست وزير (1979-1982)، رياست کميسيون نيروي انساني (1982-1984)، وزارت اشتغال وزارت تجارت و صنعت (1987-1989) را به دست داشت و در سالهاي 1989-1990 نايبرئيس حزب محافظه کار بود. از لرد يانگ به عنوان يکي از طراحان اصلي سياست خصوصي سازي دولت تاچر نام مي برند. مارگارت تاچر زماني گفته بود: ديگران براي من معضل مي آورند و ديويد راه حل



لرد یانگ گرافام در کنار یهودیان سرشناسی چون **لرد یاکوب روچیلد**، **لرد دیوید سیف** و **کیت مارکس** (مالکین کمپانی مارکس و اسپنسر)، **نیکلاس سفیر**، **کالین لهن**، **بریان کوهن** و **سیر دیوید آلبان** (یهودی ایرانی) عضو هیئت مدیره اتاق بازرگانی بریتانیا-اسرائیل است. **لرد یانگ** در شورای مشاوران خصوصی ملکه الیزابت دوم نیز عضویت دارد. او از سال 1990 ریاست کمپانی **کابل اند وایرلس** را به دست دارد.



لرد یاکوب روچیلد

بارونس یانگ فرد نامدار دیگر این خاندان در سالهای اخیر است. او در اصل به خاندان بیکر تعلق دارد که به دلیل ازدواج با **جنویری یانگ** به خاندان یانگ ملحق شد. ژانت یانگ به اولین نسل لردهای مؤنث بریتانیا تعلق دارد. لیدی یانگ دو دهه پیش از خانم مارگارت تاچر، در سال 1971 به مقام لردی دست یافت و به "بارونس" ملقب شد. (خانم تاچر در سال 1992 بارونس شد.)



بارونس یانگ

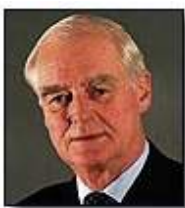
بارونس یانگ در سال‌های 1967-1972 رهبري جناح حزب محافظه‌کار در مجلس لردها را به‌دست داشت و در دوران نخست‌وزیري خانم تاچر در یک اقدام نمایشي طی سال‌های 1981-1983 در مقام رئیس مجلس لردها جای گرفت. پس از کناره‌گیری از فعالیت پارلمانی، بارونس یانگ در سال 1987 عضو هیئت مدیره دو کمپانی سرشناس متعلق به زرسالاران یهودي و شرکای ایشان شد: مارکس و اسپنسر و بانک وستمنستر

از سایر اعضای کنونی کلان یانگ، که پیوند آنان با شبکه جهانی زرسالاری یهودي کاملاً آشکار است، باید به رابرت یانگ (تاجر اسلحه) اشاره کرد. رابرت یانگ در سال‌های 1971-1986 در کمپانی رولزرویس اشتغال داشت و در سال‌های 1977-1979 رئیس بخش تولیدات نظامي آن بود. وی در سال‌های 1981-1985 از مدیران بخش تجاري مجتمع تسلیحاتي ویکرز بود و از سال 1983 عضو ستاد بررسی‌های سیاست مرکزی. رابرت یانگ از سال 1990 مدیر کمپانی بیوفورد است

کمپانی‌های رولزرویس و ویکرز به‌عنوان مهم‌ترین مؤسسات تسلیحاتي متعلق به زرسالاران یهودي و شرکای ایشان شناخته می‌شوند. دو مجتمع ویکرز آرمسترانگ و رولزرویس کاملاً به هم پیوند خورده و به‌همراه سایر کمپانی‌های بزرگ متعلق به زرسالاران یهودي و شرکای ایشان مجموعه‌ای همبسته و واحد را رقم می‌زنند. این پیوند را در مشاغل رؤسا و اعضای هیئت مدیره مجتمع رولزرویس به‌روشنی می‌توان دید.

برای مثال، سیر جیمز فریزر، که در اوج خریدهای نظامي حکومت پهلوي تا اندکی پس از پیروزي انقلاب اسلامي، یعنی در سال‌های 1971-1980، ریاست مجتمع رولزرویس را به‌دست داشت، پیش‌تر (1956-1969) از مدیران یکی از بزرگ‌ترین مجتمع‌های مالی یهودي یعنی بانک وارپورگ بود. او پس از کناره‌گیری از ریاست رولزرویس، در سال‌های 1980-1985 ریاست بانک معظم یهودي دیگر، بانک برادران لازارد، را به‌دست گرفت و سپس نایب رئیس مجتمع تسلیحاتي ویکرز شد

سیر رالف رابینز، رئیس کنونی مجتمع رولزرویس (از 1992)، همزمان رئیس غیراجرایی کمپانی کابل اند وایرلس است که، چنان‌که گفتیم، لرد یانگ گرافام رئیس و سهامدار بزرگ آن می‌باشد. رابینز عضو هیئت مدیره کمپانی‌های مارکس و اسپنسر، شرودر و استاندارد چارتر نیز هست.



سر رالف رابینز

پیوند خاندان یانگ با شبکه کمپانی‌های بزرگ متعلق به زرسالاران یهودي و شرکای ایشان به رابرت یانگ محدود نیست. کنت یانگ در سال‌های 1959-1964 از مدیران کمپانی مسی فرگوسن و در سال‌های 1966-1971 از گردانندگان اصلي کمپانی جنرال الکتریک بود. باید بیفزاییم که، طبق اسناد شخصي به‌جای مانده از شاپور ریپورتر، در دوران متأخر سلطنت محمدرضا پهلوي دفتر مرکزی کمپانی جنرال الکتریک در تهران، که مالکیت ساختمان آن به شاپور تعلق داشت (واقع در خیابان زرتشت، جنب خانه شخصي شاپور ریپورتر) مقر مرکزی اینتلجنس سرویس بریتانیا (ام. آی. 6) در ایران بود

سیر لزلی یانگ یکی دیگر از اعضای خاندان یانگ است که در سال‌های 1986-1990 عضو هیئت مدیره بانک وستمنستر و به تبع آن عضو هیئت مدیره بانک انگلستان (بانک مرکزی بریتانیا) بود. او در سال‌های 1979-1984 از گردانندگان اصلي تلویزیون کرانادا بود؛ همان شبکه تلویزیوني که برنامه ویژه‌ای درباره کودتای 28 مرداد 1332 پخش کرد (نوشته بریان لینگ) که در ایران انعکاس وسیع یافت ولی نقش اصلي‌ترین گردانندگان کودتا، به‌ویژه جرج کندي یانگ و شاپور ریپورتر،

را به کلي مسکوت گذارد

عضو دیگر این خاندان، **سیر راجر (ویلیام) یانگ**، نیز از سال 1978 از گردانندگان اصلی **بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا (بی. بی. سی.)** و عضو شورای عالی این سازمان بود

بنسون، اینتلجنس سرویس بریتانیا و ایران کمپانی کلینورت

ارتباطات خاندان یانگ با مؤسسه عظیم تجاری-مالي کلینورت بنسون در بررسی ما از اهمیت اساسی برخوردار است. زیرا، چنان‌که خواهیم دید، جرج کندی یانگ طی سال‌های پس از کناره‌گیری ظاهری از ام. آی. 6 به‌عنوان عضو هیئت مدیره این مؤسسه دلالي و بانک تجاری عمل می‌کرد. او در این رابطه بارها به ایران سفر کرد و با محمدرضا پهلوی ملاقات نمود. کلینورت بنسون همان مؤسسه‌ای است که در سال‌های اخیر سفرهای هیئت‌های بزرگ تجاری بریتانیا به ایران را سازمان داد. کلینورت بنسون، همانند مؤسسات مالی **شرودر، مورگان گرنفل و والپول گریبول** از مراکز اصلی سرمایه‌گذاری زرسالاران یهودی و شرکای ایشان به‌شمار می‌رود. **کلینورت بنسون از پیوندهای گسترده و عمیق با سرویس اطلاعاتی بریتانیا (ام. آی. 6) برخوردار است تا بدان حد که می‌توان آن را یکی از اصلی‌ترین کمپانی‌های پوششی ام. آی. 6 دانست.** کلینورت بنسون امروزه، در مشارکت با بانک **درسدنر**، مؤسسه **درسدنر کلینورت بنسون** را پدید آورده است که به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مؤسسات سرمایه‌گذاری جهان شناخته می‌شود.

مؤسسه کلینورت بنسون حاصل پیوند مالی دو خاندان **بنسون و کلینورت** است. خاندان بنسون ثروت اولیه خود را در کوران ماجراجویی‌های استعماری در آفریقای جنوبی اندوخت. مهم‌ترین چهره این خاندان **سیر رکس بنسون** است که **پسرخاله و دوست صمیمی سرلشکر سیر استوارت منزیس، رئیس اینتلجنس سرویس بریتانیا در سال‌های 1939-1952**، بود. مورخین از منزیس به‌عنوان «**سرجاسوس وینستون چرچیل**» یاد می‌کنند. بنسون در سال‌های 1941-1944 آتاشه نظامی بریتانیا در واشنگتن بود که در آن زمان مقام حساس و مهمی به‌شمار می‌رفت. **وی از اعضای بلندپایه ام. آی. 6 بود و در چنان موقعیت حساسی جای داشت که حتی تا به امروز نیز نامش به‌ندرت در کتب و مطبوعات درج می‌شود. اهمیت سیر رکس بنسون را از فهرست اسامی کسانی که آگهی ترخیم او را در زمان وفاتش (1968) امضاء کردند می‌توان دریافت**

پسر سیر رکس، به‌نام **دیوید بنسون**، فعالیت خود را از سال 1957 در **کمپانی حمل‌ونقل و بازرگانی شل**، وابسته به مجتمع عظیم **رویال داچ شل**، آغاز کرد. **مجتمع شل به‌عنوان مرکز اصلی سرمایه‌گذاری نفتی شبکه زرسالاری یهودی و شرکای ایشان شناخته می‌شود.** دیوید در سال 1963 به **گروه کلینورت بنسون** پیوست و از سال 1992 نایب‌رئیس و سپس رئیس **تراست سرمایه‌گذاری کلینورت چارتر** بود. همسر او، **لیدی الیزابت چارتریس**، دختر ارل ومیس و مارچ، از بزرگ‌ترین زمینداران و اشراف اسکاتلند، است. **خانواده بنسون از این طریق با خاندان سلطنتی بریتانیا و خاندان‌هایی چون دوک‌های ولینگتون و خانواده اوجیلوی خوشاوند است زیرا مادر ملکه الیزابت دوم دختر ارل چهارم استراتمور بود و خاله و سایر خویشان ملکه الیزابت با اعضای خاندان‌های اشرافی اسکاتلند وصلت کرده‌اند.**



دیوید بنسون

دیوید بنسون تنها حلقه‌ای نیست که مجتمع کلینورت بنسون را با **خاندان سلطنتی بریتانیا** پیوند می‌دهد. **لرد راکلی**، نایب‌رئیس (1988-1992) و رئیس (1993-1996) مجتمع کلینورت بنسون از طریق همسرش، **دختر ارل هفتم کادوگان**، با خاندان سلطنتی خوشاوند است. **ریچارد اوجیلوی ونابلس**، از اعضای خاندان اوجیلوی و خوشاوند نزدیک خاندان سلطنتی نیز از گردانندگان مجتمع کلینورت بنسون است. **سیر انگوس اوجیلوی** همسر پرنسس الکساندرا دخترعموی ملکه الیزابت است که **در غیاب ملکه جانشین او به‌شمار می‌رود. انگوس و برخی دیگر از اعضای خاندان اوجیلوی هدایت سهام شخصی خاندان سلطنتی را در کمپانی‌های بزرگ به‌عهده دارند.** برای نمونه، سیر انگوس اوجیلوی رئیس هیئت مدیره **کمپانی لورنهو** است که **انحصار معادن کرم زیمبابوه** را به‌دست دارد و **لرد دیوید اوجیلوی** از گردانندگان **مجتمع شرودر** است



سر انگوس اوجیلوی و پرنسس آکساندرا

ریچارد اوجیلوی ونابلس ابتدا مدیر کمپانی اموال خاندان سلطنتی بریتانیا به نام **ماتر اند کراوتر** بود. این کمپانی در سال 1975 حداقل به دو کمپانی **اوجیلوی اند ماتر اینترنشنال** و **اوجیلوی بنسون اند ماتر** تقسیم شد. ریچارد در سالهای 1978-1981 ریاست کمپانی اخیر را به عهده داشت

مجتمع کلینورت بنسون از طریق جیمز بنسون نیز با مجتمع اوجیلوی و خاندان سلطنتی بریتانیا پیوند می خورد:

جیمز بنسون در سالهای 1948-1958 رئیس **گروه مطبوعاتی کمزلی**، در سالهای 1959-1965 عضو هیئت مدیره **ماتر اند کراوتر**، در سالهای 1970-1971 و 1975-1978 رئیس **کمپانی اوجیلوی اند ماتر** و سپس در سالهای 1971-1987 نایب رئیس مجتمع اوجیلوی بود

مادر جیمز بنسون از **خاندان هاتچینسون** است و **خاندان بنسون از این طریق با خاندان روچیلد خویشاوند می شود.** (**همسر اول لرد ویکتور روچیلد و مادر لرد یاکوب روچیلد از خاندان هاتچینسون بود.**)

یکی دیگر از اعضای نامدار خاندان بنسون، **لرد هنری آکساندر بنسون** است. او، که در 1964 شهسوار و در سال 1981 لرد (بارون) شد، در سالهای پس از جنگ دوم جهانی از کارگزاران فعال دولت بریتانیا بود و حوزه فعالیتش از آفریقای جنوبی تا زلاندنو و استرالیا و کانادا و ایالات متحده امتداد داشت. بنسون از سال 1953 عضو هیئت مدیره و در سالهای 1955-1962 نایب رئیس **کمپانی خلیج هودسن** بود. مناصب مهم وی در کمپانیهای بزرگ متعلق به شبکه زرسالاری جهانی ادامه یافت و در سالهای 1975-1981، یعنی در **دوران خریدهای نظامی کلان محمدرضا پهلوی از بریتانیا، عضو هیئت مدیره مجتمع عظیم تسلیحاتی هاوکر سیدلی** بود



لرد هنري آلكساندر بنسون

عضو دیگر این خاندان **سیر کریستوفر بنسون** است که از سال 1988 عضو هیئت مدیره و از سال 1992 نایب رئیس **مجمع سان آلیانس** بود. **سان آلیانس** از مهم ترین و سرشناس ترین مؤسسات مالی متعلق به خاندان روجیلد و سایر خاندان های زرسالار یهودی و شرکای ایشان است.

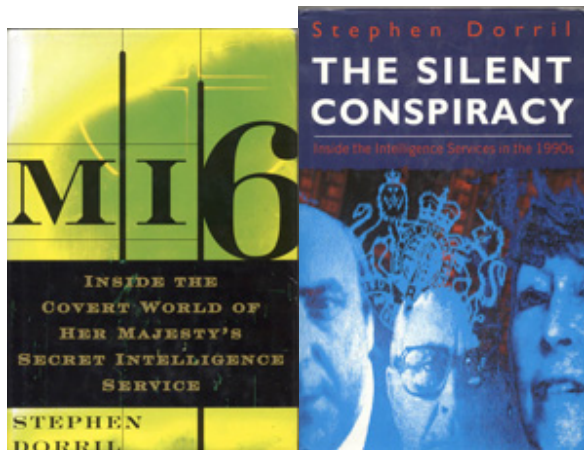
پیتر بنسون در سال های 1948-1951 در **کمپانی جان مولم** حضور داشت. **جان مولم همان شرکت مقاطعه کاری است که در سال های پس از جنگ دوم جهانی و به ویژه پس از کودتای 28 مرداد 1332 به عنوان یکی از پیمانکاران اصلی سازمان برنامه در ایران حضور فعال داشت و در سال 1336 قرارداد احداث 2350 کیلومتر از راه های اصلی کشور را با دولت ایران منعقد نمود.** پیتر بنسون پس از تصدی مشاغل متعدد و ریاست تعدادی از کمپانی های بزرگ متعلق به این شبکه، در سال های 1971-1980 عضو هیئت مدیره **مجمع رولزروییس** و در سال های 1980-1982 عضو هیئت مدیره **مجمع تسلیحاتی ویکرز** و در سال های 1982-1985 رئیس **کورپوراسیون داوی** شد. **وی از جانب همسر با خاندان یانگ خویشاوند است**

جرج کندي يانگ تنها عضو خاندان يانگ نيست که در هيئت مديره کلينورت بنسون حضور داشت:

نیل (رودریک) یانگ در سال های 1971-1988 از مدیران کمپانی کلينورت بنسون بود و از سال 1988 عضو هیئت مدیره **کمپانی نفتی ابردین. سیر ویلیام نیل یانگ** نیز در سال های 1982-1987 از مدیران کمپانی بین المللی سرمایه گذاری کلينورت بنسون بود. او در سال های 1987-1991 ریاست بخش سرمایه گذاری های **بانک بین المللی سعودی (متعلق به خاندان آل سعود)** را به دست داشت

در تصویر اجمالی که از مجمع کلينورت بنسون به دست دادم، از **پیوندهای عمیق آن با سرویس اطلاعاتی بریتانیا** سخن گفتم. این پیوندها با **سیر رکس بنسون** و **جرج کندي يانگ**، دو چهره مقتدر ام. آي. 6، به اوج خود می رسد ولی این دو تنها مقامات اطلاعاتی مرتبط با کلينورت بنسون نیستند. یک نمونه شناخته شده دیگر **فرانک استیله** است. استیله در سال های 1948-1950 در اوگاندا خدمت کرد. او در سال 1951 نایب کنسول انگلیس در بصره شد و تا سال 1953 که به **طرابلس عزیمت کرد در جنوب عراق فعال بود.** این سالها مقارن با جنبش ملی شدن صنعت نفت است و بنابراین نقش استیله در تحولات آن روز ایران و کودتای 28 مرداد 1332 و ارتباطات او با **شاپور ریورتر قابل بررسی است.** استیله در سال 1958 به عنوان دبیر دوم و سپس دبیر اول سفارت انگلیس در بیروت مستقر شد و در سال 1965 به اردن رفت. او پس از انجام مأموریتی در ناپرویی به بلفاست عزیمت کرد و در مقام **رابط سرویس اطلاعاتی بریتانیا با عوامل نفوذی در ارتش جمهوریخواه ایرلند** جای گرفت. او در سال 1975 به کلينورت بنسون پیوست و در سال های 1978-1987 عضو اتاق بازرگانی بریتانیا- عربستان بود. استیله در سال های 1988-1990 ریاست انجمن سلطنتی آسیایی را به دست داشت

استفن دوریل، که به عنوان یکی از برجسته ترین کارشناسان تاریخ 50 ساله اخیر اینتلجنس سرویس بریتانیا شناخته می شود، بر پیوندهای عمیق ام. آي. 6 با شبکه زرسالاری جهانی تأکید می کند. **دوریل معتقد است که ام. آي. 5 (سازمان امنیت داخلی بریتانیا) در مجموع نماینده منافع طبقات متوسط صنعتی و تجاری بریتانیاست و کارمندان آن پس از بازنشستگی به عنوان مشاور امنیتی به استخدام کارخانه ها و مؤسسات داخلی در می آیند؛ در حالی که ام. آي. 6 (اینتلجنس سرویس یا سازمان اطلاعات خارجی بریتانیا) از پیوند تنگاتنگ با بازار لندن و کمپانی های ماوراء بحار برخوردار است و کارمندان آن پس از بازنشستگی به این گونه مؤسسات می پیوندند. بدینسان، در حالی که ام. آي. 5 در حد یک سازمان امنیت داخلی در جا زده، پیوندهای عمیق ام. آي. 6 با محافل عالی قدرت و ثروت در بریتانیا همواره رو به تراشد بوده است.**



استفن دوریل **بانک هامبرو** را نمونه‌ای برجسته از پیوندهای عمیق ام. آی. 6 با شبکه زرسالاری جهانی می‌یابد. او می‌نویسد:

در دوران پس از جنگ دوّم جهانی، بانک هامبرو عمیقاً با ام. آی. 6 پیوند داشت. ریاست این بانک با سیر چارلز هامبرو بود که مانند [سر رابرت] کلارک مدیر بانک انگلستان بود. سیر چارلز هامبرو زمانی رئیس سازمان اطلاعاتی و خرابکاری بریتانیا در زمان جنگ (اس. او. آی.) بود و سپس مدتی عضو ام. آی. 6. مدیر عامل بانک هامبرو به نام هنری اسپاربروک نیز زمانی قائم‌مقام اس. او. آی. بود. او در این مقام عملیات در کشورهای اسکانديناوي را سازماندهی می‌کرد جایی که هامبروها به‌طور سنتی دارای پیوندهای نیرومند بودند. پیتز فالیس نماینده بانک هامبرو در نیویورک بود. او در زمان جنگ و پس از آن مدیریت آموزشگاه‌های اس. او. آی. و ام. آی. 6 را به‌دست داشت. جان مک‌کافری، افسر ام. آی. 6، که در زمان تسلیم آلمان در سوئیس و ایتالیا با آلن دالس [رئیس بعدی سیا] کار می‌کرد، نماینده بانک در ایتالیا بود.

در سال‌های جنگ، سر چارلز هامبرو به‌همراه لرد ویکتور روجیلد، هنری اسپاربروک و لئو مارکس گردانندگان واقعی سرویس اطلاعاتی و خرابکاری بریتانیا بودند و پس از جنگ نیز عملاً منشی و عملکرد ام. آی. 6 را هدایت می‌کردند.



لرد هامبرو از برجسته‌ترین زرسالاران یهودی معاصر

استفن دوریل درباره کمپانی کلینورت بنسون چنین می‌نویسد:

کلینورت بنسون بانک دیگری است که از طریق سیر رکس بنسون با ام. آی. 6 مربوط است. بنسون خاله‌زاده و همکار سیر استوارت منزیس، رئیس ام. آی. 6، و جرج کندي بانک، قائم‌مقام سابق این سازمان و عضو هیئت مدیره بانک، بود. آنتونی کاوندیش، دوست بانک و افسر سابق ام. آی. 6، نیز به‌عنوان مدیر روابط بین‌المللی به بانک برانت پیوست. او بعداً سه تن از همکاران سابق خود را به این بانک وارد کرد. کاوندیش رئیس این بانک تجاری، لرد الدینگتون، را به موریس اولدفیلد، رئیس جدید ام. آی. 6، معرفی کرد و از آن پس اولدفیلد اغلب ناهار را در این بانک صرف می‌کرد.

